



۳۱۷۷

مرکز اطلاعیه‌ها و نشریات علمی ایران
موسسه پزشکی تهران

۱۶ / ۹ / ۱۳۷۹



دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

دانشکده پزشکی

پایان نامه جهت دریافت درجهٔ دکتری

عنوان:

بررسی دیدگاه طب سنتی - اسلامی در

مورد بیماریهای روماتیسمی

به راهنمایی استاد ارجمند:

جناب آقای دکتر محمد حسن جوکار

فوق تخصص بیماریهای روماتولوژی

۸۸۲۹ -

نگارش:

هرمز توکلی پور

شماره پایان نامه: ۴۹۰

سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷

۳۱۷۲۷

تقدیم به :

پدر عزیزم که کوهی از مشکلات را در راه
به ثمر رسیدن ما پر دوش کشید.

مادر مهربانم که همچون شمع آرام آرام
می سوزد و به محفل ما روشنی می بخشد.

برادران و خواهر عزیزم که مرا یاری نموده‌اند

و تقدیم به :

خویشان و بستگان گرمی‌ام که همواره مشوقم بوده‌اند.

دوستان عزیزم که همواره در یاد من باقی خواهند ماند.

تقدیم به:

استاد ارجمند جناب آقای دکتر جوکار

**که در انجام این تحقیق مرا
با کمال صبر و صمیمیت راهنمایی فرمودند.**

فهرست

صفحه

عنوان

- ۱..... ❁ خلاصه فارسی
- ۲..... ❁ مقدمه

فصل اوّل:

- ۴..... ❁ کالبد شناسی
- ۶..... ❁ اصول کلی طب قدیم
- ۶..... ☆ علل
- ۷..... ☆ مزاجها
- ۹..... ☆ علل و اسباب درد در کتاب قانون ابن سینا
- ۱۲..... ☆ ضعیفی اندامها و سببهای آماس در کتاب قانونچه چغیمنی

فصل دوّم:

- ۱۵..... ❁ در توضیح بیماریها در متون قدیمی
- ۱۵..... ☆ بیماریهای مفاصل با تأکید بر نفرس
- ۲۱..... ☆ عرق النساء
- ۲۵..... ☆ درد پشت
- ۲۸..... ☆ گوزی پشت
- ۳۱..... ❁ مطالبی متفرقه در کتب طب سنتی

فصل سوّم:

- ۳۴..... ❁ روش کار
- ۳۵..... ❁ بحث و نتیجه گیری
- ۳۹..... ❁ خلاصه انگلیسی
- ۴۰..... ❁ منابع

خلاصه

طب سنتی عمداً بوسیله عقاید و تجربیات بقراط و جالینوس و ابن سینا معرفی شده است. و هنوز هم در جامعه ما مرسوم است. طب قدیم و سنتی بیشتر بر پایهٔ تئوری اخلاط چهارگانه اصلی (خون و بلغم و صفرا و سودا) و همچنین مزاج (که بعنوان سردی و گرمی شناخته می‌شود) بنا شده است.

برای مثال در مورد علت در بیماریهای مفاصل اعتقاد بر این بوده است که سبب بیماری در وجود اخلاط و نزول نزله (قطرات خاص) در مفاصل دردناک می‌باشد و برخی عوامل مثل پرخوری (امتلاء)، جماع زیاد و غیره در درگیری مفاصل از عوامل مستعدکننده دانسته شده‌اند.

در طب سنتی بیماریهای استخوانی و مفصلی به انواع محدودی تقسیم می‌شده‌اند مثل درد مفاصل (وجع المفاصل) نقرس، درد پشت و سیاتیک (عرق النساء) و کیفوز (گوژی پشت) دیگر بیماریهای روماتیسمی و همچنین عواملی میکروبی و ایمونولوژیک در آن زمان شناخته نشده بودند.

درمان اختلالات عضلانی و اسکلتی بر پایهٔ استفاده از گیاهان دارویی برای بند آوردن اخلاط؛ تخلیه از اخلاط و متدهائی از قبیل دادن مسهل، وادار به استفراغ کردن و دیورز و دیگر روشهای مثل فصد (خونگیری) و پرهیز غذایی و غیره بوده است.

مقدمه :

نخستین چیزی که در ذهن خواننده ممکن است نقش ببندد این است که چه علتی باعث می شود که شخص عمر گرانیما به خود را صرف خواندن علمی کند که دیگر بطلان آن به اثبات رسیده است و از جرگه علوم به دور افتاده است، اما بایستی اذعان کرد که این فرض تا آنجا درست است که بخواهند به احیای علمی مرده و بی فایده بکوشند و از مزایای علوم جدید چشم پوشی کنند و جوینده جوان را به راههای متروک و باریک کشانند. اما بایستی بگویم که بنده از اینکه ساعات خود را در این مسیر سپری کردم ناراحت نیستم، زیرا اعتقاد ما بر این است که این علوم بطور کلی دور ریختنی نیستند و چه بسا راههایی جدید را برای طبیب بگشایند. با توجه به اینکه مکتب دانشمندان طب اسلامی قرنها در غرب استیلا داشته است و هنوز هم تا حدی آن شوکت را حفظ کرده است و نیز از سوی دیگر گرایش روز افزون مردم کشورمان به سمت داروهای گیاهی و طب سنتی ایجاب می نماید که تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام گیرد و بالاخره رابطه آشتی بین طب سنتی و طب مدرن برقرار گردد و تعارض بین عطار و پزشک پایان یابد پس بر آن شدم تا قطره ای کوچک از دریای طب قدیم را حضور علاقه مندان تقدیم نمایم. باشد که این کار سهم کوچکی در شناسایی روند رو به تکامل طب و معرفی طب اسلامی داشته باشد.

حال مختصری از تاریخچه طب در ایران را عرض می نمایم :

طب در دوران هخامنشی : غیر از پایه ای که در ایران از قبل داشت از یونان نیز اقتباس شده بود و در کتب مذهبی زرتشت از طب و بهداشت سخن بسیار گفته شده بود.

طب در دوران ساسانیان : بدلیل اختلافات مذهبی علمای روم شرقی به ایران مهاجرت کردند و در نهایت با کمک پزشکان ایرانی مدرسه جندی شاپور را تأسیس کردند.

دوران اسلامی : این زمان دوران درخشان طب در ایران است ولی مرکزیت طب از جندی شاپور

به بغداد انتقال یافت (۴)

فصل اوّل

کالبد شناسی
اصول کلی طب قدیم

کالبد شناسی (۱)

استخوانها: شالوده کالبد هستند. و تن انسان بر آن بنا شده است مثل مهره‌های پشت و برخی استخوانها مثل سپری که بدن را از آسیب برخوردها دور می‌دارند مثل استخوان تشنک (جلوی سر که آنرا جاندا نه می‌گویند) و برخی مثل جنگ افزاری هستند که در برابر آسیبها از استخوانها دفاع می‌کنند. مانند زائد دنده‌ها (سناسن) مانند خارهایی بر مهره پشت جای دارند.

عده ای از استخوانها در داخل مفاصل هستند مثل سمسانی که در بین استخوانهای ریز و مجوف (سلامی) قرار دارند. برخی نیز بمنظور رفع نیاز اندامهایی که تکیه گاه نیاز دارند، بکار می‌روند و به شکل (ل) می‌باشند. ماهیچه‌های گلو و زبان و نظایر آن برای استخوانها نیاز دارند.

استخوانهایی که برای قوام و پایه تن بکار می‌روند، در حرکت اندامها دخالتی ندارند این استخوانها بدون تجویف هستند و دارای منافذ و شکافهای ریز هستند و از داشتن آن ناگزیرند لیکن استخوانهای که در حرکت مؤثرند میان تهی بوده و دارای فضای خالی در وسطند. این تجویف برای آن است که مواد غذای در جای مختلف متفرق نشود و دچار سستی نشود. مغز استخوانها در تأمین مواد غذایی استخوان است، تأمین رطوبت استخوان، و هدف از خلقت استخوانهای مشاشی (که سر نرم و مکیدنی دارند). علاوه بر تأمین تغذیه با استنشاق بو، همراه است. همانطور که در استخوان، مصفاه (پرویزنی) این کار انجام می‌گیرد و ضمناً محلی است برای تجمع مواد دفعی مغز (که چنین اعمالی برای آن شناخته شده است).

مفاصل: فاصله بین دو استخوان را در مفاصل زائده‌ای غضروفی و یا شبه غضروف پر کرده است و هر جا که نیاز به این زوائد غضروفی نیست، اتصال استخوانها بدون آن انجام می‌گیرد، مانند آرواره زیرین.

مجاورت استخوانها بر چند وجه است برخی از آنها مجاور مفصل نرم و برخی مجاور مفصل سست و نا محکم هستند. و عده ای نیز دارای مفصل محکمی به شکل دندان یا مد روز (در هم دوخته) هستند یا چسبیده منظور از مفصل یا آسان (مفصل لولائی) این است که در آن یکی از دو استخوان به آسانی حرکت

می‌کند. و دیگری جنبشی ندارد مانند مفصل میچ و ساعد. مفصل دشوار و نا محکم مفصلی است که در آن جنبش یکی از استخوانها کم و دشوار باشد. مانند مفصل بین استخوانهای (ساینده) میچ دست و کف دست یا بین دو استخوان کف دست. مفصل محکم شده (بی حرکت) مفصلی است که در آن هیچ یک از دو استخوان مفصل شده به تنهایی حرکت نمی‌کند، مانند مفصل استخوان جناغ سینه، مفصل ترکیب یافته (دندانهای) مفصلی است که برجستگی یکی از استخوانها در فرو رفتگی دیگری قرار گرفته است و این جایگزینی به نحوی است که استخوان حرکت نمی‌کند، مانند دندانها در حفره‌های دندانی فک.

مفصل مدروز (درزی شده، دوخته) مفصلی است که در آن دو استخوان دارای بریدگی‌های دندانمانند هستند و این دانه‌ها در هم داخل شده‌اند نظیر قطعات مس به هم وصل شده مانند مفصل استخوان کاسه‌ای در آهیانه، مفصل چسبیده مفصلی است که دو استخوان در طول خود به هم چسبیده‌اند مانند مفصل بین دو استخوان ساعد. مفصل چسبیده‌ای نیز وجود دارد که در آن دو استخوان در پهنا به هم چسبیده‌اند مانند مهره‌های زیرین پشت (مفصل نا محکم دارند قابل ذکر است).

وترها: اجسامی هستند که انتهای ماهیچه‌ها رویش می‌یابند. و به اندامهای حرکتی می‌رسند اجسام گاهی بر اثر جمع شدن خویش اندامها را به طرف خود می‌کشند. و یا بر اثر انبساط اندامها را باز می‌کنند. **زردپی‌ها:** در تجربیات حس لامسه همانند پی‌ها بنظر می‌رسند. این اجسام از طرف اندامها به سوی ماهیچه‌ها می‌آیند، و همراه وترها رشته‌هایی از خود می‌پراکنند. برخی از این رشته‌ها که از ماهیچه‌ها مجاورت می‌یابند به داخل گوشت می‌روند و بخشی که از ماهیچه جدا می‌شود، به سوی مفصل و اندام حرکتی می‌رود و در آن نفوذ می‌کند و بنام رباط خوانده می‌شود. زردپی که از ماهیچه دور است و به میان دو طرف استخوانی مفصل یا، اندامهای دیگری می‌رود و بخشی را به بخش دیگر به طرز محکم پیوند می‌دهد. با اینکه رباط است ولی رباط عقب نامیده شده است. زردپی‌ها از حس بی‌بهره‌اند.

اصول کلی طب قدیمی

علل:

بیماریها در طب سنتی اسلامی به چهار گونه تقسیم می‌شود که با مطالعه آنها تندرستی و بیماری سنجیده می‌شده است:

۱- مادی (اخلاط + اندام یا روح + ارکان) عناصر اربعه سبک شامل آتش و هوا و سنگین مثل خاک و آب)).

۲- فاعلی مربوط به خود (مشخصات اعمال و رفتار؛ آب و هوا و تغذیه) موجباتی که تن آدمی را ننگ میدارند و یا تغییر می‌دهند.

۳- علل صوری: مزاجها

۴- تمامی (غایی) کنشها.

حال به شرح اخلاط که در طب قدیم اهمیت زیادی داشته است می‌پردازیم:

خلط: را ماده ای رطوبی و روان می‌داند که غذا در اولین مرحله به آن تبدیل می‌شود.

humour (or humor): که در فرهنگ Webster به چهار نوع خونی و بلغمی و صفراوی زرد و صفراوی سیاه (سودا) تقسیم شده است.

ابن سینا خلط را به دو نوع خلط نیک خلط بد تقسیم می‌کند. که خلط نیک به تنهایی و یا همراه با

خلط دیگر. جزئی از گوهر غذایی مزاج می‌شود و همانند آنرا می‌سازد.

خلط بد را خلطی می‌داند که نمی‌تواند به خلط نیک تبدیل شود و زائد و بی مصرف است و بایستی

دفع شود.

و خلطهای رطوبی را به چهار بخش اعم از نیک و بد تقسیم می‌کند:

۱- خون

۲- بلغم: دو نوع طبیعی که استعداد تبدیل به خون را دارد و نا طبیعی، مثلاً آب بینی را بلغم زائد دانسته است.

۳- صفرا: الف - طبیعی: از جگر بوجود می آید. قسمتی همراه خون انتقال می یابد و بخش صاف شده به سمت کیسه صفرا می رود که آنرا در تغذیه ششها مؤثر می داند نیز در تحریک ماهیچه مقعد مؤثر می داند.
ب - ناطیعی:

۴- سودا: الف - سودای طبیعی رسوب و تیرگی خون است و مزه آن بین شیرین و گس است. و از جگر تراوش می شود و دو قسمت می شود که یا همراه خون است و یا به سوی طحال می رود، آنرا جهت تغذیه برخی اندامها مثل استخوان مفید می داند. پس از هضم بر دهانه معده فرود می آید. و آنرا محکم می کند. انسان را به واسطه ترشی خود از گرسنگی آگاه می کند.

ب - سودای نا طبیعی: نوع اول، دوم و سوم:

نوع اول سوخته صفرا می باشد و نوع دوم سوخته خاکستر بلغم است، نوع سوم سوخته خاکستر خون است و مزه شور دارد. بعلاوه سودای زرد آبی که سخت تر و پر خطرتر از سایر سوداها است و از همه به تباه شدن نزدیک تر است ولی به معالجه جواب می دهد.

مزاجها:

از واکنش متقابل اجزای ریز مواد متضاد بوجود می آید. مواد مخالف با هم آمیخته و از این آمیزش

کیفیت مشابهی ایجاد می شود بنام مزاج.

تقسیم بندی:

۱- مزاج معتدل: که مقادیر و کیفیت متضاد در ترکیب متساوی و متقاوم باشند و این مزاج کیفیت متوسط

بین آنها است.

۲- مزاج نامعتدل: در حد وسط کیفیات متضاد قرار نداشته باشد و به سمت یکی یا دو تا از آنها گرایش

پیدا کند، مثل مزاج سرد و گرم یا تر و خشک.

توضیح: اینکه می‌گوییم گرمی و سردی که در اعتقاد عامه وجود دارد مزاج را شامل می‌شود و نیز رطوبی و خشکی که در گذشته مورد استعمال داشته است. اینکه می‌گوییم فلان جسم از دیگری سردتر یا گرمتر است منظور در مقایسه با گرمای غریزی بدن آدمی است.

و در مورد گرمی و سردی پس از بحث در مورد درجهٔ اشتعال و نقطهٔ انجماد مواد مختلف که از بررسی آن ابن سینا رأی به گرم یا سرد بودن دارویی می‌دهد، به نکته‌ای که دانستن آنرا برای پزشک واجب می‌داند اشاره می‌کند:

هر چیزی که در چشیدن شیرین یا تلخ یا تند باشد گوهر آن گرم است و هر آنچه قابض یا ترش یا گس باشد گوهر آن سرد است و هر چه خوشبو و تند باشد گوهر آن گرم است. هر چیز که سفید رنگ است و در اجسام رطوبت‌دار و منعقد وجود دارد دلیل گوهر سرد است.

رنگ سفید در اجسامی که دارای خشکی هستند و آمادگی خرد شدن دارند. نشان گوهری گرم است. رنگ سیاه در هر دو حالت بالا کاملاً حالت بر عکس رنگ سفید است زیرا سردی مرطوب را سفید و خشک را سیاه می‌گرداند اما گرمی تر را سیاه و خشک را سفید می‌گرداند.

در مورد داروها: می‌فرماید مثلاً اگر دارویی برای عمر و معتدل باشد نایستی برای زید تجویز شود زیرا هر دارو در بدن فرد دارای مزاج بخصوص اثرات متفاوتی بر جای خواهد گذاشت و اگر با مزاج فرد سازگار نباشد او را از حد اعتدال خارج می‌کند.

مزاج در سنین مختلف: ما حصل اینکه مزاج در سنین کودکی و جوانی طبیعت معتدل دارد و تن پسران سرد است لیکن تن خردسالان از حد اعتدال رطوبی تر است.

اعتدال مزاج جوانان را بیشتر از اعتدال مزاج خردسالان می‌داند ولی جوان در مقایسه با پیر گرم

مزاج تر است. مزاج زن را نسبت به مرد سرد تر می‌داند و رطوبت ماده از نر را بیشتر می‌داند.

تقسیم بندی اندامها از نظر مزاج : مغز سرد مزاج است و قلب و کبد گرم مزاج می باشد. قلب مزاج خشک داشته ، و همچنین مغز و کبد را رطوبی می داند.

علل و اسباب درد در کتاب قانون ابن سینا :

گاهی مفاصل ، بند استخوانها در نقرس و عرق النساء و غیره سبب درد می شود . در وقوع درد مشارکت بین عامل بوجود آورنده درد و پذیرنده درد است. پذیرنده درد عبارت از اندامی است که ماده بیماری را از سبب دریافت نمود . و در خود جای داده است.

سبب درد : یکی انواع سوء المزاج را ذکر نموده است و دیگری ماده بد جنس درد آور را و نیز سببهای ابزاری :

سوء المزاج : که اکثراً سوء المزاج سرد این ناراحتی را سبب می شود :

۱- سوء المزاج فراگیرنده تمام بدن

۲- سوء المزاج که بر اندامان رئیسه چیره آمده است که سوء المزاج التهاب زا ، سرد گرداننده و منجمد کننده باشد.

۳- و یا به سبب خشکی مانند یا ترنجاننده است بویژه اگر سوء المزاج همراه ماده رطوبی از بدن بیگانه و غیر طبیعی باشد.

ماده سبب درد را نیز چند جهت تقسیم کرده است :

۱- خون ساده و بی آلیش

۲- خون بلغمی آلوده

۳- خون همراه با ماده صفراوی

۴- خون مخلوط با ماده سودایی

۵- تنها خلط بلغمی است که اگر خام باشد بسیار بد است

۶- خلط مراری

۷- خلط ترکیبی از بلغم و خلط مراری است

۸- خلط با چیزی مثل ریم و چرک و زخم و قرحه ترکیب شده باشد

۹- خلط سبب درد باد را در خود جای داده است

سببهای ابزاری: مثل گشاد شدن بیش از حد طبیعی مجاری که از عامل خارجی یا در خلقت اولی یا از اثر حرکت زیاد مجراهای نویی ایجاد شده است و یا مثل تنیدگی اندام و یا تخلخل اندام و یا تازه ایجاد شدن مانعی مثل رستن گوشت و غده که هر یک جدای از هم فعالیت می کنند. و نیز درد مفاصل را مربوط به مواد زیر می داند:

۱- بلغم همراه خلط مراری ۲- از ماده خام بلغم ۳- از خلط خونی ۴- از خلط صفراوی ۵- از ماده خلط سودایی باشد.

نیز نزله و زکام را از اسباب آن آورده است و قولنج معالجه شده که چیزهایی ناباب را از خود رانده و در اطراف بدن پراکنده شود و درد و آزار ایجاد کند.

و نیز نوع غذا و اندازه غذا، کم هضمی آن استراحت و آرامش بیش حد طبیعی، ترک ورزش زیادی جماع، مستی کردن پیایی، حبس شدن مواد که از راه مقعد و رحم بایستی بیرون رود. خارج شدن از عادت که قبلاً داشته است. ورزش یا جماع بر سیری شکم با شکم سیر حمام رفتن ناشتا شراب زیاد خوردن که بر اعصاب تأثیر می گذارد.

خلط خام: که با مدفوع بیرون نرود و با دارو پاک نشود و خلط به مفاصل درآید. درد مفاصل حتمی است. اگر خلط سزاوار ریختن بسیار در بدن بماند. تبهای سخت و عفونت به همراه دارد.

اگر طبیعت بیرون راندن خلط را عهده دار شود بول همیشه غلیظ است و هیچ وقت کم مایه و خام و

ناپخته نیست. و در این حال نباید نگران آسیب رسانی خلط بود.